



بسم الله الرحمن الرحيم

فصل در بیان فوائد جزویه مراتب سته و تعینات منسه که در ولایت مغزی دانش من آن
 جزوی است مراتب اول الاتعین که مرتبه ذات هویت و غیب هویت و لاهورت کونید مرتبه
 دوم تعین اول که وحدت صرف و قابلیت محض است بمعنی اسم و صفات تنزیه یعنی
 آن اسما و صفات که در مخلوقات یافته نمیشود چنانچه **احد و محمد و قدوس و اللد و عزیز** آن و
 صفات تشبیه که در مخلوقات یافته میشود چنانچه **سمیع و بصیر و علیم** مرتبه سیم تعین دوم
 رذات را که احدیت نامند یعنی مجرد از تفصیل اسما و صفات تشبیه مرتبه چهارم که تعین
 سیم است رذات را که آنرا احدیت نامند یعنی اسما و صفات تشبیه این سه تعین که مذکور
 شد در مرتبه امکان ممکنات است مرتبه تعین چهارم عالم ارواح و نور که عالم اول کونید
 کیفیت آن یافته نمیشود نه رنگی و نه شکلی و نه جرمی دارند و نه جسمی و نه صورت محض نور
 بیطریقت و وسیع بی نهایت و نهایت بر صفت و اجزی معلوم کرده میشود که مخلوق است و
 مرتبه واجب الوجود و چون از صفت و اجزی و تنگی منزله است مرتبه ششم تعین پنجم است که
 عالم خلق است از عرضی تا تحت فزونی پس عالم مثال یعنی عالم خواب و خیال برنج است
 میان عالم ارواح و عالم خلق نه من کل الوجوه از عالم خلق است نه من کل الوجوه از عالم ارواح
 بلکه برنج است میان هر دو اینست مراتب سته و تعینات منسه رذات واجب را و
 تعینات و طبقات و ظهورات و نظایر در اصطلاح ایشان مثلا واحد دارند مرتبه واحدیت
 تفصیل اسما و صفات که متعلق بر مرتبه تشبیه اند یعنی غیر مشروط و آن هفت اند که عبارتند از
 اندهت از اسمائی این است **عالم متعدي علیهم** لازمی **سابع متعدي** سیم لازمی
باص متعدي بصیر لازمی **قادر متعدي** قدیر لازمی **مدیر** می شکم صفات آن علم سیم
 بقدرت ارادت سمیات کلام از تعلقات که آنها را شیوات و ملذومات و کمالات و
 لوازم و اعیان ثابته و صور عالی کونید معلومات مسوعات مبهورات مقدمات و ارادت
 محیات مشکلات پس این هفت صفات نیز مشروط نامند ظهور آنها در ازل واقع است
 در پدایش عالم موقوف نیست سوائی این سبع صفات حق تعالی را هم صفات مشروط نامند

۳۳ سال بعد #
ذالو کتاب جو رساله اربعین فوائد جزویه



ذالو کتاب جو

ذالو کتاب جو

موضوع لغت

سنه _____ هـ

قله / چهل

ملکیت: الکبیر اکیدمی، کولتری محمد کبیر

مخدوم غوث محمد "گوهر"

Handwritten blue ink characters, possibly a signature or date.

که ظهور آن موقوف بر وجود کردن مخلوق است چنانچه خالق اسم تخیلی صفات مخلوقات لازم آن
رذاق اسم تزلیق صفت رزومات لازم همچنین دیگر صفات سائره علی هذا الوجه نسبت
بعل دارند والله اعلم بالصواب ولا غیر الا بر انهم ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسول محمد وآله واصحابه اجمعین **فان**
خلق بعد از ارتفاع کثرت تعیین صفت اکلام جهال که عبارت از ظهور کثرت است از میان
بردارند و فقط تعیین از سر تا بر کبری بلکه که چه ماند **فان** تعیین حجاب وجود است اگر تو
از تعیین وجود دو چشمی ابوی که عبارت از صورت ناست دور کبی دانی که تعیین عینی وجود
حق است **دقیقه** وجود مطلق چون از اطلاق و عدم انحصار خود توجه به عالم ظهور کرد تعیین
اول که پیدا کثرت نام او وحدت باشد و او را حقیقت محمدی گویند و حقیقت تعیین
توانسته و منافیه دور کردن میان تعیین و عین حق هم قسم کرده اکنون تو در تعیین و کلی
در مرتبه همچنین فهم کن چنانچه سیاهی به نسبت حروف اگر حروف کوی هم راست و قد
بود و اگر سیاهی دانی که بهورائی حروف ظاهر است عین صوفت و آن وحدت را دو شاخ
فلا حرکت یکی را نام احدیت که ذات بان اعتبار از همه اعتبار است منزله و مجرد است و
دوم را نام احدیت که ذات بان اعتبار به صفات الهی و اعتبارات کیانی تصفه است
دقیقه صفات الهی دو قسم است یکی موقوف است بظهور مخلوق در حجاب چنانچه خالق
و رازق و دیگر محتاج نه چنانچه سیم و علیم و غیر آن از امهات صفات پس آنچه محتاج
نیستند بکمال ذاتی و عنایت مطلق تعلق دارند و این مرتبه را تقدم ذاتی بر اسماء دیگر
است و آنچه محتاج هستند بکمال اسمائی و کمال جلا و استجلال تعلق دارند کمال جلا آنرا
که وجود با این تعیینات خود را منتهی کند **دقیقه** واحدیه منقسم بدو قسم است یکی
صفات الهی و دیگر اعتبارات کیانی و تعیین واحدیه هر دو در اصل صفات الهی اگر گویند

کردن

که وصف وجودی و فعلی صفت ذاتی ایشان باشد و اعتبارات کیانی آنرا گویند که صفت
لازمی ایشان انفعال و امکان بود **دقیقه** لفظ الله و حق دو جا اطلاق کنند یکی در مرتبه
العیین که عین وجود مطلق است بی ملاحظه مفهوم دوم در مرتبه الوهیت و آن عبارت
از ظهور جمیع صفات الهی اجمالاً و ظاهر وجود که وجود و وصف خاص او است اینجا گویند
و رب آنجا گویند که از صفات الهی تفصیل شده **دقیقه** اعتبارات کیانی مقننات
اسماء الهی و مرتبه ربوبی اند آنرا اعیان ثابت گویند و ظاهر علم آنرا نیز گویند پس در این دو
مرتبه یعنی صفات الهی و اعتبارات کیانی یک حقیقتی جامع است و این وجود مطلق است
و باصالة و وسیع حقیقت انانیت است که آدم عبارت از دست تا اینجا رایت ظهور بود
اکنون رایت خلقی ظهوری بیان خواهد شد **دقیقه** اول تعیین باعتبار خلقت باعتبار
ظهور نور محمدیست نام او روح اعظم و عقل اول و عقل کلمت و او بمنزله قد صاف است
و این جمیع عوالم مختلفه بمنزله قد کدر تا مرتبه کجاره و این را عالم ارواح نامند و فرشته که
در اول صف عالم ارواح است او را روح القدس گویند و آخر او جبرئیل امین است و بالآی
این مرتبه ارواح همچو مذکور شد در عالم غیب شمرده آمد **دقیقه** پس از این عالم عالم مثال
و آن عبارت است از صور کلمات لطیفه که قابل تجویز و تجویض نیستند که از احوال نامند
پس بر حسن و حرکت که در این عالم موجود است بواسطه او است یعنی فیض مطلق
بعالم ارواح میرسد و از وجوالم مثال و از وجوالم حسن **دقیقه** پس از این عالم عالم
شهادت است و آن عبارت است از عوالم روحانی تا مرکن خاک بدین تفصیل اول و شش
پس کریم فلک زحل فلک مشتری فلک مریخ فلک شمس فلک زهره فلک عطارد
فلک قمر که ناریه که آب که خاک موالید ثلاثه نبات حیوان **دقیقه** پس آن
کامل این جمیع عالم را ملکت و مقصود از ظهور این مراتب است که وجود با این مراتب
شده تا با آن سپوست و در آن انجوا سن انی در این مراتب خود را منتهی میکند
که معراج عبارت از دست بیت کسوتی دیگر پوشیده جلوه دیگر کند مظهری دیگر نماید بر اظهار دیگر
اگر خواهی که مراتب در حکمت توجه و سیر تو باشد بدین شغل عروج و نزول مسیده و معاد شغف
بیاض دائره

